واتبع ملة ابراهيم حنيفا

بيروي كنيد كيش ابراهيم پاك را

دين حنيف يا رسالة حنيفيه

حرمة ريش تراشي

(بقلم)

دانشجوى محترم

آقاي على اكبر صبوري قمى

- نزيل -

(نجف اشرف)

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم

حلق اللحية من المثلة ومن مثل

فعليه لعنة الله

فرمود پيغمبر اكرم (ص) تراشيدن

ريش نوعي از مثله كردن است

هر كس مثله كند لعنت خدا براوست

طبعت في المطبعة الحيدرية في النجف الأشرف

واتبع ملة ابراهيم حنيفا

پیروی کنید کیش ابراهیم پاك را

دین حنیف یا رسالهٔ حنیفیه

حرمت ریش تراشی

(بقلم)

دانشجوی محترم

آقای علی اکبر صبوری قمی

- نزیل -

(نجف اشرف)

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم

حالق اللحية من المثله ومن مثل

فعليه لعنة الله

فرمود پیغمبر اکرم (ص) تراشیدن

ریش نوعی از مثله کردن است

هر کس مثله کند لعنت خدا بر اوست

طبعت في المطبعة الحيدرية في النجف الأشرف

بسم الله الرحمن الرحيم

« تقريظ بقلم الحجة آية الله السيد ميرزا عبد الهادي الشيرازي »

« ادام الله بقاءه »

بسم الله ولله الحمد وافضل صلواته على افضل بريته محمد وآله صلى الله عليهم اجمعين . احقر اين رساله شريفه را كه از تأليفات جناب مستطاب ثقة الاسلام مروج الأحكام العالم العامل والبارع الزكي الكامل آقاي آقا شيخ علي اكبر الصبوري القمي دامت توفيقاته وتأييداته است مطالعه نمودم الحق والانصاف نيكوتأليفي نموده وجهات مسئله را بنحو اوفى با استدلال بيان فرموده شايسته هر نوع تشكر وتقدير است جزاه الله عن الاسلام خير الجزاء وحشره الله مع المجاهدين في سبيله والمحامين عن دينه

الأقل عبد الهادي الحسيني الشيرازي

في ١٤ جمادى الثانية سنة ١٣٦٨

« تقريظ بقلم العلامه حجة الاسلام الشيخ محمد محسن (المدعو) »
« بآقا بزرگ الطهراني »

بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس گذاري روا نيست مگر آن يگانه بي همتارا كه در فطرت هر مخلوقي ثنا گوئي خودرا يادگار گذارده « و ان من شيء الا يسبح بحمده » ودر طينت هر بشري قوه شناسائي خويش را مكنون داشته « ماخلقت الجن والانس الا ليعبدون » پس زهي سعادتمند خواهد بود كسيكه ما بالقوه او بفعليت شود سعي كردن دور ساختن خودرا بنتيجه زندگاني خود وصرف نمودن سرمايه عمر موهوبي را در پيدا كردن راه راست سعادتمندي ابراي خود ونشان دادن آنرا با بناء جنس خود والحق والانصاف كه گوي اين سعادترا كما هو حقه ربوده است مؤلف اين كتاب مستطاب كه مطالعه قسمتي از آن مغني از تقريظ واطرا واطناب است وهو الفاضل البارع الكامل البالغ مراتب الشيوخ الكمال وهو في ترعرع الشباب مولانا الشيخ علي اكبر الصبوري القمي اكثر الله في حملة العلم امثاله وبلغه غاية آماله چه انكه اين مجموعه شريفه از آنجهت كه طليعه دين داري وحفظ ناموس بوده كوتاهي ننموده وبمجال اختصار بالي از كمال ومسائل اين ترك قانون دين حنيف را كه دست از ادله واهيه ناس وبدنام وجهال عوام آنرا كرچك كرده دشتي تاني نموده وآن معصيت كبيره راكه آبا آنرا حقير شمرده بلكه آنرا از مباحات اصليه در انظار جلوه داده كرده اند بصداي بلند عظمت وبزرگي آنرا بگوش ابناء هوش رسانيده فجزاه الله عن حماة دينه وفاونه خير جزاء المحسنين وحشره مع العلماء العاملين في اعلى عليين والحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام

على رسوله محمد وآله الطاهرين

حرره اقل العباد عملا واكثرهم ذنبا وجرما الجاني المسمى بمحمد محسن والمدعو بآقا بزرك الطهراني نزيل الغري السري والنجف الأشرف في « ١٢ ج ٢ - ١٣٦٨ »

« تقريظ بقلم العلامه الحجه آقا ميرزا محمد علي الغروي الاردوبادي »

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى

اين سفر شريف كه بنحو اوفي وارد مسئله وبطريقه شايان خارج وعهده دار جهات مطالب بصوره مرضيه است يكي از حسنات عصر حاضر ميباشد فحيا الله مؤلفه العالم البارع مـأثره الوحيد وغرة الزمن العلامه الاوحد الشيخ علي اكبر الصبوري القمي لازاله حامية الدين وداعية الهدى

الأحقر محمد علي الغروي الاردوبادي

حرر في ١٤ ج ٢ / ١٣٦٨

سبب تألیف

چون حقیر سال گذشته از عتبات عالیات بقصد زیارت حضرت رضا علی بن موسی علیه آلاف التحیة والسلام رهسپار ایران شدم و خوب در وضع دیانت جامعه کاوش و کنجکاوی نمودم دیدم واقعاً بقدری قبح اعمال محرمه از نظر جامعه رفته بطوریکه اصلاً بعضی از محرمات الهی را انکار و در مقام تحلیل آن محرم هستند یکی از محرماتی که غالب مردم مخصوصاً متجددین (عصر اتم) مرتکب میشوند همانا تراشیدن ریش است که اصلاً قبحی برای آنها ندارد بلکه گذاشتن ریش را قبیح میدانند و اگر آنها را هم نهی از این عمل شنیع نمائی در جواب میگویند در کدام از صفحات قرآن نهی از این عمل شده و مادر صفحه ۸ در خطای جاهلان در احکام شرعیه معین نمودیم که این حکم الهی « حرمة ریش تراشی » در کدام از صفحات درج شده و از چه شخصی باید احکام الهی را اخذ کرد و لذا بعد از مراجعت بنجف اشرف حاضر میشدم درس یکی از مدرسین طراز اول نجف اشرف و ایشان خارج مکاسب محرمه تدریس مینمودند موقعی که مسئله حرمت لهو و لعب را باخر رسانیدند بعضی از فضلای حوزه درس ایشان خواهش نمودند که در اطراف حرمت ریش تراشی بحث نمایند و ایشان هم کما هو حقه تمام ادله حرمت را از آیات و اخبار و عقل و سیره و اجماع بیان نمودند و حقیر مطالب را با اسلوب ساده نگاشتم با زیادتی اجماع مذاهب اربعه بر حرمت ریش تراشی و اقوال اطباء قدیم و جدید در مضرات ریش تراشی

اقل الطلبة لخدمة العلم والدین
علی اکبر الصبوری القمی

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده بخشایشگر

پس از ستایش وسپاس خداوند جهانیان وصلوات وسلام بر اشرف ممکنان وسید کاینات وخلاصه موجودات محمد بن عبد الله صلی الله علیه وآله وسلم وصلوات بیحد حصر بروح پاک جانشین بلا فصل وخلیفه برحق وی مولی الکونین علي بن ابیطالب «ع» وبر یازده فرزندان اوباد خدایرا سپاس که درهای دانش را بروی ما گشود تا علوم اسلامي را پایدار کنیم و کتمان حقایق او نشود

« مقدمه اول »

(مضرات کتمان احکام شرعیه)

« سوره بقره » [ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد مابیناه للناس في الکتاب اولئك یلعنهم اللاعنون. الا الذین تابوا واصلحوا وبینوا فاولئك اتوب علیهم وانا التواب الرحیم. ان الذین یکتمون ما انزل الله من الکتاب ویشترون ثمنا قلیلا اولئك ما یأکلون في بطونهم الا النار ولا یکلمهم الله یوم القیمة ولا یزکیهم ولهم عذاب ألیم. اولئك الذین اشتروا الضلالة بالهدی والعذاب بالمغفرة فما اصبرهم علی النار ذلك بأن الله نزل الکتاب بالحق وان الذین اختلفوا في الکتاب لفي شقاق بعید]

« ترجمه » بدرستیکه کسانی که مخفی میدارند آنچه را که نازل کردیم از بیان آشکار وواضح وهدایت پس از اینکه اورا برای همه مردم آشکار نمودیم در کتاب آنهارا خدا ولعنت کنندگان (ملائکه وپیغمبران واولیاء) لعنت میکنند مگر کسانیکه توبه وخود را اصلاح بنمایند واحکام الهی را آشکار کنند از آنها میگذرم ومن

آمرزنده ام و مهربانم و میفرماید بدرستیکه کسانیکه مخفی میدارند
چیزی را که خدا در کتاب نازل کرده و آنرا میفروشند بثمن قلیلی
آنها نمیخورند درشکمشان مکر آتش را و خدا با آنها سخن نمیکوید
و آنهارا پاکیزه نمیکند وعذاب دردناک برای آنها است و آنها کسانی
هستند که هدایت را فروختند وضلالت و کراهی را خریدند چقدر
در آتش جهنم صبر خواهند کرد برای اینکه خدا کتاب را بحق نازل
کرده و کسانیکه در کتاب اختلاف نمودند برای مخفی کردن احکام
الهی در سر پیچی و سر کردانی و دوری هستند . ای متظاهرین
بدیانت بدانید که احکام الهی تمامش ازعبادات ومعاملات وسیاسات
برای جلب مصالح ودفع مفاسد جعل شده اکر مخفی شود بشر از
مصالح آنها محروم و بمفاسدی دچار خواهد شد که باعث تشویش
و اختلاف کلمه مابین افراد جامعه میشود وهر کس رأی هوی وهوسی
که دارد حکمی ورأئی اتخاذ میکند وعموم مردم دچار سر کردانی
و بلا تکلیفی میکردند

« مقدمه دوم »

(وظیفه جاهلان در احکام شرعیه)

در شریعت اسلام تمام تکالیف بشر از جزئی و کلی معین شده
بطوریکه هر کس بوظیفه مقرره خود عمل نماید هیچ نقص وخللی
در امور او وارد نخواهد شد از جمله تکالیفی که برای جاهل مقرر
شده درشرع انور در ابتداء امر رجوع نمودن او بعالم در احکامی
که راجع بدین است وانسان اکر قوه استنباط ندارد باید در تمام
احکامش از جزئی و کلی رجوع بمنی وعالم نماید وحق ندارد بدون
کسب عالم چیزی بکوید وحکمی را بیان نماید واین اصل موافق

عقلی را ادله شرعیه میدانند زیرا مذهب شیعه مقرر در مشروع عقلیه وسنة
است بالجمله یکی از جزئیات نوع بشر است که باید در تمام امور حتی
صنایعی را که نمی‌داند انسان اگر خواسته باشد اطلاع از او پیدا
نماید بدون رجوع بعالم آن فن وصنعت از برای او حاصل نمی‌شود
ولکن علمای ناپاک که این اصل مسلمی را که عقل هر ذی‌شعوری
براو حاکم است تخطی شده حتی برساله مجتهدین هم وقعی نگذارده
شده برخلاف حکم آنها سخن رانده اگر جاهلان معتقد دیانت باین
اصل معتقد میشدند و هر کس بمجتهدی که مرجع اوست رجوع می
نمود و بدون کفش او سخنی نمی‌راند هرگز اختلاف کلمه و تشتت
آراء ومفاسد دیگر تولید نمی‌شد و در حدیث وارد شده « لو سکت
الجاهل بما لا یعلم لم یختلف اثنان » یعنی اگر جاهل ساکت میشد از آنچه
را که نمی‌داند اختلاف مابین دو نفر پیدا نمی‌شد از این پس منشاء
اختلاف همیشه جهال هستند برای رفع این اختلافات چاره نیست
جز اینکه مجال داده نشود بجهال که در احکام شرعیه وتعیین تکالیف
نوعیه بدون رجوع بمجتهد دخالت کنند

« مقدمه سوم »

(خطای جاهلان در احکام شرعیه)

اگر سؤال کرده شود از این اشخاصی که مقداری بمبدء ومعاد
قائلند چرا این عمل قبیح را مرتکب میشوید در جواب میگویند در
کدام از صفحات قرآن نهی از این عمل شده اولا باین شخص
میگوئیم تو خودت که قرآن فهم نیستی تا اینکه بفهمی نهی وارد
شده یانه و بمقتضی مقدمه دوم باید رجوع بعالم فن نمائی وثانیا این
کتاب آسمانی که نازل بر پیغمبر اسلام شده و تمام کلیات احکام اسلام

از عبادت و معاملات و سیاسات در این کتاب مجید بر عهده پیغمبر اسلام است که برای امت خود بیان نماید و بعد از خودش هم وصی قرار داده و فرمود این کتاب از عترة من جدا نمیشود تا اینکه روز قیامت وارد شوند بر من و سؤال مینمائیم از این اشخاص که در کدام از صفحات قرآن نوشته شده نماز صبح دو رکعت است و بچه نحو باید خوانده شود و بچه نحو باید حج نمود و غیر ذلك از احکام مادر جواب از طرف این اشخاص میگوئیم که بیانات این احکام راجع به پیغمبر « ص » اسلام است و بعد از خودش هم محول فرمود بائمه معصومین علیهم السلام و فعلاهم که زمان غیبت است بیان این احکام راجع است بحامیان دین و مجتهدین اسلام که خود امام اینها را تعیین نموده است از برای بیان کردن احکام و رجوع کردن مردم باینها پس بنابر این باید رجوع بمجتهدین نمود و بدون جهت دروغ بر خدا و پیغمبر نبندید که دروغ گفتن بخدا اکیداً درقرآن کریم واحادیث شریفه ممنوع شده « درسوره کهف » فرمود { ولا تقولوا لما تصف السنتکم الکذب هذا حلال وهذا حرام لتفتروا علی الله الکذب ان الذین یفترون علی الله الکذب لا یفلحون }

« ترجمه » مگوئید آنچه زبانتان وصف کرده که این حلال است واین حرام برای اینکه دروغ بخدا می بندید حتما کسانیکه بخدا دروغ می بندند رستگار نمیشوند ونیز دراحادیث شریفه وعید عقاب شدید الهی بر گفتن برخدا بدون علم داده شده وحضرت امیر المؤمنین « ع » میفرماید اگر از آسمان بیفتم و کرکس هاتن مرا بربایند وتکه تکه کنند دوست تر نزد من است از آنچه بر رسول خدا بگویم که از پیغمبر نشنیده باشم باین آیات کریمه واحادیث شریفه بچه میزان

حالا این متعمدی مقام عاصی می شوند و بدون اینکه رجوع باخبار واحادیث نمایند سخن میکویند تمام این احکام الهی از جزئیات وکلیات آن روی پاك مصالح و مفاسدی جعل شده حصر نمی خواهم واسعه احکام را بیان نمایم بلکه اقوال اطبائیکه مضراتی از برای ریش تراشیدن گفته اند نقل میکنم

« اقوال اطباء »

(در مضرات ریش تراشی)

نظر باینکه فعلا متجددین عصر طلائی بشر آشنای با کلمات « موسیو فلان » هستند و باکلمات آئمه هدی سلام الله علیهم سرو کاری ندارند بلکه بسا میشود نعوذ بالله اطمینانشان به جمله که نقل شده « از دکتور فلان وایکتور فلان » بیشتر است از کلمات معصومین ولذا قبل از آیات واخباری که در این باب وارد شده مقداری از کلمات اطباء ممالك خارجه را نقل مینمائیم درتاریخ (امریکا در صفحه ۱۶۰) سجعان رومانی میکوید بعضی از این مردم امروز از ریش تراشیدن خوششان می آید وحال انکه کذاشتن ریش بهتر است از تراشیدن بجهت اینکه طبیب شهیر « دکتور فینکور جرج » کفته است از برای ریش منافع زیادی است از جمله دهان را حفظ میکند ومانع ازرطوبات میشود ودندانها وغدد لعابیه را پاکیزه نکاه میدارد درروزنامه « العدل که دراسلامبول » نشر میشود در نمره یکصد وسی ودویم بتاریخ — ۲۱ نوفمبر ۱۹۱۱ — درج شده باین عبارت «ضد حاق اللحیه » تألیف جمعیة في انکلترا لمقاومة استعمال الموسى ومن مبادی هذه الجمعیة السعي في حمل الناس علی ارسال لحاهم بحجة ان الموسى تکون سببا من اسباب نقل العدوی والأمراض المعدیة وقد

طبعت هذه الجمعية منشوراً وزعته على كبار الانكليز واعيانهم ودعتهم فيه لتائيدها بارسال لحاهم حتى يتشبه بهم الشعب وقد وضعت في المنشور صورتين واحدة تمثل رجل حليق الذقن والاخرى تمثل رجل ذا لحية وجمعت كل المحاسن في الوجه الثاني كما ملئت لوجه الأول بالقبائح الخ

« ترجمه » در این روزنامهٔ که در اسلامبول منتشر میشود برعلیه وضد عادت ریش تراشي جماعتي درانكلستان انجمن نموده‌اند سخت جلو گیری مینمایند از کار کردن تیغي بررخسار ریش تراشیان واز جمله تعلیمهای اساسي این جماعت سعي وتلاش در اینکه مردمانرا وادار کنند برها ساختن ریش وترك تراشیدن آن بجهت اینستکه تیغهای دلاکان مایه سرایه وتعدی امراض مسریه است بلب ودهان وجهره وکاوی ریش تراشان بدرستیکه این انجمن ورقهٔ چاپ نموده وبربزرکان انکلیس ولوردهای ایشان قسمت وبخشش نموده وایشان را بمساعدت خود خوانده که رها سازند ریشهای خود را تا اینکه عموم مات تقلید آنها وپیروی بنمایند ودر این ورقه دو صورت چاپ شده یکي تمثال مردی که ریش خود را تراشیده است ودر او جمیع رسائیها وبدیها را نمایش داده ودیگری تمثال مردی که ریش خود را رها ساخته ودر او جمیع زیبائیها وخوبیها راجلوه ونمایش داده‌اند ونیز در (مجلة المقتبس) چاپ دمشق در جلد ششم صفحه (۱٤٤) اثبات نموده که تیغهای ریش تراشان ناقل امراض وباعث سرایت دردها است بچهره وصورت مردمان تندرستی که به تراشیدن ریش عادت نموده اند (قال سیجمان وغیره) انهم حلقوا مرة لحی جمیع مستخدمي السكك الحديدية في ايام الشتاء وحصل لأكثرهم وجع ونخر في الأضراس والأسنان وورم في الغدد اللعابية

(ترجمه) سجعان واطبای دیگر مثل (دکتور جرج) گفته اند که درزمانی تراشیدند ریشها را کارکنان راه آهن در موسم زمستان بس بیشتر از اینها مبتلا بدرد دندان وآماس واورام سخی شدند در غده‌های که سرچشمه های لعاب گلو ودهان است (سجعان) گفته که اهل این مملکت دیدند مبتلای بمرض زکام بودند بعداً یکی از اطبای حاذق امر کرد مردم را که ریش بگذارند وآنها هم عملی نمودند بکلی زکام از مابین مردم برطرف شد از این گونه اقوال اطباء زیاد است واحتیاج ندارم بزاید آن بعد از آنکه اخبار زیادی از أئمه هدی علیهم السلام برحرمة ریش تراشي وارد شده

(استدلال بر حرمة ریش تراشی)

(از قرآن کریم)

(۱) ازجمله استدلالات بایه کریمه (واتبع ملة ابراهیم حنیفا) است در تفسیر علی بن ابراهیم قمي نور الله مضجعه از حضرت صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود نازل کرد خداوند تبارك وتعالی بر حضرت ابراهیم حنیفیه را «الطهاره» که عبارت باشد از پاکیزگي که ان ده چیز میباشد پنج چیز ان راجع بسر است و پنج چیز راجع ببدن آن چیزها ئیکه راجع بسر است

(اول) گرفتن شارب «سایل» (دوم) گذاشتن ریش (سوم) تراشیدن موي سر (چهارم) مسواك کردن «پنجم» خلال نمودن واما آن پنج چیزی که راجع ببدن است

«اول» تراشیدن مو از بدن «دوم» ختنه کردن «سوم» ناخن گرفتن «چهارم» غسل جنابة «پنجم» طهاره بآب واین ده چیز حنیفیه بحضرت ابراهیم است که آورد برای امت خود نسخ

نشده و نسخ نخواهد شد تا روز قیامت مجلسی علیه الرحمه در جلد (۱۶)
بحار از طرق عامه مثل همین نقل میکند وجه استدلال بآیه شریفه
این است که این ده چیز نسخ نشده و پیغمبر اسلام مأمور بوده است
بمتابعت این ده چیز و دعوت کردن امت را بر آن و از جمله این ده چیز گرفتن
شارب است که مستحب است و گذاشتن ریش که ممنوع است از
تراشیدن آن اگر کسی بگوید سیاق روایت این است که دلالت بر
حرمة نمیکند جهت اینکه روایت مشتمل است بر بعضی از امور
مستحبه دیگر جواب میدهیم

«اولا» باینکه روایت مشتمل است بر غسل جنابه که از واجبات
است «وثانیا» ظهور امر (اتبع) در وجوب است مادامیکه ترخیصی
از طرف خود شارع وارد نشده باشد و تفکیک قائل شدن بین فقرات
روایتی که مشتمل است هم بر امور مستحبه و واجبه در کلمات اهل
ادب عزیز الوجود نیست

(۲) دوم استدلال بآیه کریمه (وان یدعون الا شیطانا مریدا.
لعنه الله وقال لأتخذن من عبادك نصیبا مفروضا ولأضلنهم ولأمنینهم
ولآمرنهم فلیبتکن آذان الأنعام ولآمرنهم فلیغیرن خلق الله)

«ترجمه» یعنی نمیخوانند مگر شیطان سرکش را گفت شیطان فرا
گیرم از بندگان تو بهره‌ٔ که مقرر شده و هر آینه گمراه کنم ایشانرا
و به آرزو اندازم ایشانرا و میفرمایم ایشانرا پس ببرند ایشان گوشهای
چهارپایان و میفرمایم ایشان را پس تغییر میدهند خلق خدا را وجه
استدلال باین آیه بعد از تسلیم دو مقدمه است

اولا ـ اینکه ریش تراشیدن از جمله تغییر دادن در خلق الله بوده باشد
ثانیا ـ اینکه تغییر دادن هر خلق الله حرام بوده باشد مگر موارد یکه

دلیل بر جواز بوده باشد مثل ختنه کردن وناخن گرفتن که یقیناً اینها از تغییر درخلق الله است ولـکن خود شارع تجویز کرده بلکه لازم الاجراء است پس درنتیجه این صغری و کبری آیه (ولیغیرن الله) شامل این فعل شنیع میشود وثابت میشود حرمتش بجهت اینکه ترخیص ازطرف شارع نشده بلکه دراخبار زیادی نهی ازاین عمل شده وعلاوه براین تغییر خلق را که قسمي ازآن تراشیدن ریش است شیطان لعنة الله علیه امر میکنـد برای اضلال کردن خلق وشیطان هیچوقت آدم را بر عمل مباح امر نمیکند همیشه بر یك عملی امر میکند که باعث غضب الهي شود

« اخبار وارده »

(در حرمة ریش تراشي)

« ١ » ازجمله خبری است که روایت شده درقرب الاسناد که تألیف شیخ القميين است ومجلسي علیه الرحمه ازتهذیب که یکی ازکتب اربعه وتألیف شیخ طوسي است نقل میکند

عن علي بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابیطالب عن اخیه موسی * ع * قال سألته عن اخذ الشارب اسنه هو قال نعم وسألته عن الرجل له ان یأخذ من لحیته قال اما من عارضیه فلا بأس واما من مقدمه فلا

« ترجمه » اما علي بن جعفر راوي روایت جلالت وعظمت قدرش بحدي است که محتاج به بیان نیست وقبر شریفش معروف است در خارج « شهر قم » ولکن مجلسي ثاني اعتراض کرده بر پدرش که قبر ایشان بودنش درخارج قم صحت ندارد بجهت اینکه روی قبر نوشته شده فلان بن فلان ابن علي بن جعفر بعد تمام آن اسمها پاك شده فقط

علي بن جعفر باقي مانده واشتباه شده غرض مراد مجلسي اين است كه اين قبري كه معروف بعلي بن جعفر است يكي ازاولادهاي ايشان است فرمود علي بن جعفر سؤال كردم ازبرادرم موسى بن جعفراز گرفتن شارب آيا مستحب است فرمود بلي وسؤال كردم از مردى جايز است ازبراي اوزدن وگرفتن ريشش رافرمود اما ازدوعارض « دوگونه » عيبي ندارد ولكن ازمقدم عارض « صورت » عيب دارد

« ٢ » ازجمله اخبار خبرى است كه روايت شده در كتاب جعفريات تأليف ابي الحسن اسماعيل بن موسى بن جعفر * ع * قال محمد بن محمد ابن اشعث الكوفي عن ابي الحسن موسى بن اسماعيل بن موسى بن جعفر بن محمد عن جده علي بن الحسين عن ابيه عن علي بن ابيطالب * ع * قال قال رسول الله * ص * حلق اللحيــة من المثلة ومن مثل فعليه لعنة الله

« ترجمه » فرمود رسول خــدا * ص * تراشيدن ريش ازقبيل مثله است وهر كس مثله كند لعنت خدا براو است يعني كما انكه مثله كردن كه قطع اعضاء مخصوص است درشرع مقدس يكي از محرمات است وموجب لعن الهي ميشود ومحذور لعن از پروردگار باعث غضب وعقاب است همچنين تراشيدن ريش هم ازقبيل قطع اعضاء است موجب غضب الهي ومورد عقاب است

« ٣ » ازجمله اخبار خبرى است كه درمجلد * ١٦ * بحار مجلسى عليه الرحمــه ازكتاب كافي نقل ميكند عن علي بن احمد الدقاق عن الكليني عن علي بن محمد عن محمد بن اسماعيل بن موسى عن احمد بن القاسم العجلي عن احمد بن يحيي المعروف ببرد عن محمد بن حذامي عن

عبد الله بن ايوب عن عبد الله بن هشام عن عبدالكريم بن عمر الجعفي عن حبابة الوالبيه قالت رأيت امير المؤمنين * ع * في شرطة الخميس ومعه دره وله سبابتان يضرب بها بياعي الجري والمارماهي والزمير والطافي ويقول لهم يابياعي مسوخ بني اسرائيل وجند بني مروان فقام اليه فرات بن احنف فقال له ياامير المؤمنين وماجند بني مروان فقال اقوام حلقوا اللحي وفتلوا الشوارب فمسخوا الخ

ـ ترجمه ـ حضرت امير المؤمنين * ع * با تازيانه دو سره خود فروشندگان ماهيان حرام گوشت را ميزده ميفرمود اي فروشندگان مسوخ بني اسرائيل واشكر بني مروان فرات بن احنف عرض كرد ياامير المؤمنين اشكر بني مروان كيانند فرمود اقوامي بودند كه ريشهاشان را ميتراشيدند وسبيلهاشانرا مي تابيدند وخداوند آنها را مسخ كرد اين روايت صريح در حرمت است بجهت اينكه مسخ شدن بشكل ماهيان حرام گوشت ازمعظم ترين عذابها است ومسخ شدن كه ازمعظم عذابهاي الهي است نميشود مكر ازبراي يك عملي كه خيلي مهم وازگناهان كبيره باشد

« سيره قطعيه »

(در قبح ريش تراشي)

اگر بانظر دقيق نگاه نمائي درتواريخ مي يابي كه اززمان حضرت آدم تازمان خاتم واين زمان درجميع اعصار وادوار تمام انبياء ورسل واوصياء واولياء صالحين حتي بعضي ازسلاطين حفظ اين معنيرا نموده وشنيده نشده كه اين عمل شنيع ازاحدي ازاين اشخاص سر بزند واگر بانظر دقيق تر نگاه نمائي مي بيني كه رؤساي مذاهب ومراجع اسلام ازعامه وخاصه بلكه قسيسين ورهبانيين وعلماي يهود

وغير علماء يهود ازملل واديان خارجه اين عمل شنيع را مرتكب نمي شدند بجهت اينكه آن اشخاصي كه قائل بمذهب اسلامند البته چون بايد بقوانين مذهبي خود عمل نمايند اين عمل شنيع را ترك كرده واما آن اشخاصيكه بدين هم قائل نيستند على كل حال چون اين عمل داراي مضراتى است كه شخص عاقل مرتكب چيزي كه مضرار براي نفس است نمي شود ولذا فعلا در ممالك خارجه پرفسورها واطباي حاذق آن گونه قوانيني كه در اسلام ضرر دنيوي دارد مرتكب نمي شوند

نقل اجماع علماء شيعه

« درحرمة ريش تراشي »

اشخاصي كه ازعلماي شيعه نقل اجماع برحرمة ريش تراشي كردند مير داماد قدس الله سره در رساله شارع النجاتش فرموده تراشيدن ريش حرام است

باجماع مسلمين وبهاء الملة والدين شيخ بهائى دركتاب اعتقاداتش فرموده تراشيدن ريش مثل بقيه گناهان كبيره است ازقبيل قمار، سحر، رشوه وفرموده است احدى ازعلماء خلاف دراين مسئله نكرده است وبسا باشد كه ازضروريات ومسلمات نزد همه است

نقل اجماع

« علماي مذاهب اربعه درحرمة ريش تراشي »

دركتاب (الابداع في مضار الابتداع)ص٤٠٧ تأليف شيخ علي محفوظ كه از علماي طراز اول جامع ازهر مصر ميباشد نقل اجماع

كرده ازمذاهب اربعه برحرمة ريش تراشى وماعين كلمات صاحب كتاب را نقل ميكنيم قال (وقد اتفقت المذاهب الأربعة على وجوب توفير اللحيه وحرمة حلقها والأخذ القريب منه

«الأول» مذهب الحنفيه قال في الدر المختار ويحرم على الرجل قطع لحيته وصرح في النهاية بوجوب قطع مازاد على القبضة (بالضم) واما الاخذ منها وهي دون ذلك كما يفعله بعض المغاربه ومخنثة الرجال فلم يبحه احد واخذ كلها فعل يهود الهند ومجوس الأعاجم اه (فتح) وقوله ماوراء ذلك يجب قطعه هكذا عن رسول الله * ص* انه كان يأخذ من اللحية من طولها وعرضها كما رواه الامام الترمذي في جامعه ومثل ذلك في اكثر كتب الحنفية

«الثاني» مذهب السادة المالكيه حرمة حلق اللحية وكذا قصها اذا كان يحصل به مثله واما اذا طالت قليلا وكان القص لا يحصل به مثله فهو خلاف الاولى اومكروه كما يؤخذ من شرح الرسالة لأبي الحسن وحاشيته للعلامة العدوي رحمهم الله

«الثالث» مذهب السادة الشافعية قال في شرح العباب (فائدة) قال الشيخان يكره حلق اللحية واعترضه ابن الرفعه بان الشافعي رضي الله عنه نص في الام على التحريم وقال الاذرعي الصواب تحريم حلقها جملة لغير علة بها اه ومثله في حاشية ابن قاسم العبادى على الكتاب المذكور

«الرابع» مذهب السادة الحنابلة نص في تحريم حلق اللحيـة فمنهم من صرح بان المعتمد حرمـة حلقها ومنهم من صرح بالحرمة ولم يحك خلافا كصاحب الانصاف كما يعلم ذلك بالوقوف على شرح المنتهى وشرح منظومة الأداب وغيرها ومما تقدم تعلم ان حرمة حلق اللحية هي دين

الله وشرعه الذي لم يشرع لخلقه سواه وان العمل على غير ذلك سفه وضلاله او فسق وجهاله او غفلة عن هدى سيدنا محمد صلى الله عليه وآله وسلم

ـ ترجمه ـ شيخ علي محفوظ مدرس قسم تخصص جامع ازهر مصر در كتاب ـ الابداع في مضار الابتداع ـ كه اين كتاب تمام بدعتهائي كه در دين گذاشته شده نقل ميكنـد حقير نسخه اورا در نجف فقط بكنفر داشت چنـــد ساعتي گرفتم واستفاده نمودم خلاصه ميگويد بتحقيقكه اتفاق واجماع كردند مذاهب اربعه بر وجوب گذاشتن ريش وحرمة تراشيدن ريش وگرفتن از ريش بحـديكه نزديك بتراشيدن بوده باشد

(اول) از مذاهب اربعه مذهب حنفيه است كه از ابو حنيفه نقل فتوي بر حرمت كرده شده و در «در المختار» گفته حرام است بر مرد كندن واز بين بردن ريش را وتصريح كرده است در ـ نهايه ـ واجب است زدن زياده از يك قبضه واما گرفتن از ريش وكم كردن از يك قبضه كما اينكه اين فعل اشخاصيست كه در مغرب زمين ساكننـد وفعل مخنثين است احـدي مباح نكرده وگرفتن همهٔ ريش را كما اينكه يهوديهاي هند ومجوسيهاي عجم ميكنند الخ

در كتاب ـ فتح ـ گفتـه است بيشتر از يك قبضه را واجب است قطعش همينطور پيغمبر * ص * ميگرفت از ريش خود از طولش وعرضش همچنين روايت كرده امام ترمـدي در كتـاب جامع خود ومثل همين در بيشتر از كتب حنفيه است

«دوم» مذهب مالك است كه حرام است تراشيدن ريش وهمچنين زدنيكه صدق تراشيدن نكند. واما اگر كمي دراز بشود وزدنش صدق تراشيدن نكند پس خلاف اولي يا مكروه بجـا آورده همچنين

است درشرح رساله ابی الحسن وحاشیه او بر علامه عدوی

« سوم » مذهب شافعی گفته است درشرح عباب (فائده) شیخان گفتند تراشیدن ریش مکروه است واعتراض کرده ابن رفعه بر شیخان باینکه شافعی تصریح کرده در کتاب ـ الام ـ برتحریم واذرعی گفته صواب حرام بودن تراشیدن ریش است همه اش را بدون علة الخ ومثل همین گفته درحاشیه قاسم عبادی درکتاب مذکور

« چهارم » مذهب حنبلیها تصریح کرده اند بحرام بودن تراشیدن ریش بعضی از حنبلیها تصریح کرده اند بدرستیکه اعتماد کرده شده بحرام بودن تراشیدن ریش وبعضی تصریح کرده اند بحرام بودن تراشیدن ریش وخلافی هم نبوده مثل صاحب کتاب ـ الانصاف ـ مثل اینکه دانسته میشود این مطلب درشرح ـ المنتهی ـ وشرح ـ منظومة الأداب وغیر اینها وازاین اقوالیکه ذکر شد دانسته میشود حرام بودن تراشیدن ریش وحرمت تراشیدن ریش ازدین خداوند وشرع اواست که ازبرای خلق خود تشریع نفرمود مگر اورا وعمل کردن بغیر این ـ یعنی تراشیدن ریش ـ دیوانگی وگمراهی است یافسق ونادانی است ویاغفلت ازشریعت وراه آقای ما محمد * ص * است

تائیدات ازاخبار

(بر حرمة ریش تراشی)

ـ۱ـ ازجمله اخباریست وارد شده ازطرق عامه وخاصه برنهی از تشبه بکفار واعداء دین روایت کرده شیخ صدوق علیه الرحمه درکتاب (من لا یحضره الفقیه) که یکی از کتب اربعه است ومحل مراجعه امامیه بآن کتاب است « عن اسماعیل بن مسلم عن مولانا الصادق * ع * قال

اوحى الله الى نبي من انبيائه قل المؤمنين لاتلبسوا ملابس اعدائى ولانطعموا مطاعم اعدائى ولاتسلكوا مسالك اعدائي ولاتأكلوا مآكل اعدائى فانكم اعدائى كما هم اعدائي

ـ ترجمه ـ حضرت صادق * ع * فرمود وحي نمود خداوند بيكي ازانبيائش كه بمؤمنين بكو لباسهاى دشمنان مرا نپوشيد وغذاهاى دشمنهاي مرا نخوريد وطريقه وراه دشمنان مرا مگيريد والا دشمن من هستيد كما اينكه آنها دشمن منند پس شباهت ومشاكلت با آنها حرام است ازجمله طريقه آنها ريش تراشيدن است كه حرام است وهرموحدى ومؤمنى اين خطاب شامل اوميشود وبر عهده اواست كه درمواردیكه تشخيص ميدهد كه ازآداب آنها است اجتناب كند

ـ ٢ ـ دومين خبري كه مؤيد ازبراي حرمة ريش تراشي است خبرى است كه روايت شده دركتاب ـ معانى الأخبار ـ كه شيخ صدوق نقل كرده باسناده « عن علي بن غراب عن مولانا الصادق * ع * عن ابيه عن جده قال رسول الله * ص * حفوا السوارب واعفوا اللحى ولا تشبهوا بالمجوس »

ـ ترجمه ـ فرمود رسول خدا * ص * بزنيد سبيلها راورها كنيد ريش را اين روايت صريح است درنهى ازتشبه بمجوس بدليل اينكه درخبر ديكر دارد « ان المجوس جزوا لحاهم ووفروا شواربهم واما نحن فنجز الشوارب ونعفى اللحى وهي الفطرة »

ـ ترجمه ـ فرمود امام بدرستيكه مجوس ميتراشيدند ريشها يشان را وميكذاشتند سبيلها را واماما اهل بيت عصمت ميزنيم سبيلها را وميكذاريم ريشهارا وجايز نيست از براي مرد مؤمن ومسلم اينكه خودش را شبيه بمجوس نمايد وممكن است از لاتشبهوا باليهود كه

دربعضي ازروايات ديكر داردااستفاده شود براينكه اصلاهيچ ازريش زده نشود ودرار شود كما اينكه بعضي ازعلماى يهود اصلامقراض هم نميكنند واين موجب آتش است دربعضي از روايات وارده ومـا خواهيم بيان كرد بزودى كه ازيك قبضه زيادتر هم حالي از اشكال نيست

— ٣ — سوم‌ين مؤيدات مابر حرمة ريش تراشي خبرى است كه مجلسي عليه الرحمه درجلد —٦— بحار درباب مراسلات نبي بسوي ملك روم وفارس نقل كرده (انه كتب كسرى الى — باذان — قهرمانه وهو — بانويه — وكان كاتبا حاسبا وبعث معه رجلا من الفرس يقال له — خرخسك — فكتب معها الى رسول الله * ص * يأمره ان ينصرف معها الى كسرى وقال لبانويه ويلك انظر الى الرجل وكلمه واتني بخبره فخرجا حتى قدما المدينة على رسول الله * ص * واعلمه بانويه وقال له ان شاهنشاه ملك الملوك كسرى كتب الى الملك باذان يأمره ان يبعث اليك من يأتيه به وقد بعثني اليك لتنطلق معي فان قبلت اكتب فيك الى ملك الملوك بكتاب ينفعك ويكف عنك به وان ابيت فهو من قد علمت فهو مهلكك ومهلك قومك ومخرب بلادك وكانا قد دخلا على رسول الله * ص * وقد حلقا لحاهما واعفيا شواربها فكره النظر اليهما وقال ويلكما من امركما بهذا قالا امرنا ربنا يعينان بذلك كسرى فقال رسول الله * ص * لكن ربي امرني باعفاء لحيتي وقص شاربي الخ

— ترجمه — خلاصه ترجمه اين است كه دو نفر ريش تراش وسبيل كلفت ازجانب كسرى بواسطه باذان عامل يمن وارد مجلس حضرت رسول * ص * شدند حضرت كراهت داشت كه نكاه بصورت آنها فرمايد فرمود كي شمارا باين وضع امر كرده عرض كردند خداي

ما يعني كسرى پادشاه عجم رسول خدا * ص * فرمود پروردگار من امر فرموده مرا باينكه ريش بگذارم وقطع سبيلهارا بكنم اين روايت اصلا دليل ميشود برحرمت ريش تراشي بجهت اينكه پيغمبر * ص * از كفار آتش پرست هم اين عمل رازشت داشت وامر الهي را بيان فرمود ويقيناً اين اشخاصي كه مدعي ديانت هستند وبزيارت امير المؤمنين ميآيند وباصورت تراشيده داخل حرم ميشوند حضرت علي ابن ابيطالب * ع * از آنها روبر ميگرداند

«فتاواي علماء ومجتهدين»

(برحرمة ريش تراشي)

پرواضح است كه مسئله حرمة تراشيدن ريش ازجمله مسائل مسلمه بين فقهاء است بعد از اجماع برحرمه ازفريقين ـ عامه وخاصة ـ ومااجماله ازاقوال علماء واساطين سابق ولاحق رانقل ميكنيم

« ۱ » محدث بحراني صاحب حدائق درآخر طهارتش بعد ازاينكه اخبار وارده ازائمه عليهم السلام رابر حرمة ريش تراشى نقل كرده فرموده (الثانية الظاهر كما استظهره جملة من الأصحاب كما عرفت تحريم حلق اللحية لخبر المسخ المروي عن امير المؤمنين * ع * فانه لا يقع المسخ الا على ارتكاب امر محرم بالغ في التحريم)

حاصل كلماتش اين است كه ريش تراشيدن حرام است كما اينكه بزركان از اصحاب برآنند ازبراى اينكه خبرى كه روايت شده وقبلا مادر اخبار باب نقل كرديم خبر حضرت امير المؤمنين * ع * بود وقضيه مسخ شدن آن اشخاصي كه ريش تراشيده بودند ومسخ در شريعت واقع نميشود مكر ازبراى فعل محرمي كه بالاتر از اوحرامي نباشد « ۲ » علامة المحدثين شيخ حرعاملي علاوه برعقد باب مستقلي

دروسائل برحرمة در کتاب ـ بداية الهداية ـ که خلاصه در آنجا تراشيدن ريش رادر عداد محرمات مسلمه شمرده

« ۳ » ازجمله شيخ کبير شيخ جعفر کاشف الغطاء درباب آداب حمام فرموده حرام است تراشيدن ريش وفرموده احدى مخالفت دراين مسئله نکرده

« ٤ » ازجمله ملامحسن فيض درکتاب وافي بعداز اينکه اخبارباب رانقل کرده فرموده جماعتي ازفقهاى مافتواى دادند بحرمـــة ريش تراشيدن واشنشهاد کرده اند بآيه (فليغيرن) همچنانکدمااستدلال کرديم

« ٥ » ازجمله محدث نوري عليه الرحمه درمستدرك الوسائل بابي منعقد کرده برحرمة تراشيدن ريش

« ٦ » ازجمله شيخ احمد احسائى دررساله حيدريه گفته است تراشيدن ريش حرام وآداب مجوسي‌ها است

« ۷ » فاضل کاباسي فرموده حرام‌است تراشيدن ريش وکراهت دارد دراز کردن ريش

« ۸ » علامه مجلسى‌درکتاب حلية المتقين فرموده بدانکه سنت است ريش را ميانه بلند گذاشتن نه بسيار بلند ونه بسيار کوتاه‌زيادة‌از يك قبضه مکروه است واحتمال‌حرمة نيزدارد ومشهور ميان علماء آنست که تراشيدن ريش حرامست واحوط آنست که اصلاح بسيارشديد که شبيه تراشيدن باشد نکنند

« ۹ » از جمله علامـه بحر العلوم

« ۱۰ » وصاحب البدايع « ۱۱ » وصاحب الجواهر

« ۱۲ » وعلامه انصارى درآخر مجمع المسائل فرموده تراشيدن ريش حرام است ومقراض کردن بطريق اصلاح چون خود شارع

تجویز کرده جایزاست والااگر ترخیصي ازطرف شارع نبودملحق بود بتراشیدن

« ۱۳ » از جمله فقیه جلیل سید عبـد الله شبر کاظمي در کتاب احسن التقویم

« ۱٤ » شمس الفقهاء شهید اول درقواعـد مسئله‌را مسلم دانسته

« ۱۵ » شیخ علي بن محمد بن الحسن بن زین الدین سبط شهید ثانی در ـ در المنثور ـ مبحث مستقلي برحرمة ریش تراشي عقد کرد واثبات آنرا ازاخبار کرده

« ۱٦ ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۰ » آیة الله میرزا شیرازي وفاضل ایروانی وآیة الله کوه کمري وآیة‌الله میرزا محمد تقي شیرازي وآقاشیخ زین العابدین حائري

تمام این‌اعلام دررسائل خودشان حکم بحرمة ریش تراشي کرده‌اند ودرسؤالاتی که ازهندوستان براي مرحوم حجة الاسلام اقاسید محمد کاظم یزدی ومرحوم حجة الاسلام صدر اصفهاني ومرحوم حائري مازندرانی استفتاء شده درریش تراشي تمام این حجج حکم بحرمـة ریش تراشي کرده اند ومرحوم صدر اصفهـانی مرقوم فرمودند حقیر خودم دیدم در یکي از اوراق حاب شده ـ هر که بفرماید حلق لحیه ـ (تراشیدن ریش) حرام نیست باسواد علمي ندارد یا اظهـار فضیلت میخواهد بنماید وازعلماي عامه ابوالقاسم حسین بن محمدبن المفضل راغب اصفهانی درکتاب محاضراتش حـکم بحرمـة تراشیدن ریش کرده آیة‌الله شیخ الشریعه اصفهانی دررساله خود بس ازفتوی بحرمت فرموده مسئله متسالم علیها بین فقهـا است ومرحوم آیة‌الله شیخ المجتهدین میرزا محمد حسین نائیني فرمودند علاوه برحرمت کمتر

ازيك قبضه هم بی اشكال نيست وفعلا هم جميع علماء ومجتهدين نجف اشرف وكربلا تراشيدن ريش را حرام ميدانند واحتياج باينكه اسماء شريف آنها راذكر كنيم نيست وهمچنين جميع علمای قم ومشهد تراشيدن ريش راحرام ميدانند

بعد ازاين همه اقوال علماء وبزركان دين اكر كسی مخالفت كنداز دو حال خارج نيست يا اينكه ميخواهد عناد وعصبيت بخرج دهد يا اصلا دين ندارد بجهت اينكه فرمايشات علماء وحاميان دين واجب الاطاعه است مثل اين است كه پيغمبر * ص * بيان نموده وشماهـا ازخود اوشنيده ايد اين فقهای اسلام از پيش خود چيزی نميكويند تمام رابا مراجعه بكتب اخبار ميفرمايند مثل كتاب كافي كه تأليف ثقة الاسلام مرحوم كليني است كه درزمان غيبت صغری اين كتاب را تأليف كرده وبانواب خاص امام زمان كه خدمت امام ميرسيدند مخالطت وآميزش داشته وتمام اين احكام را ازخانواده عصمت اخذ كرده

« مقدار كذاشتن ريش »

(در شريعت)

اما ظاهر اخبار وكلمات علماء درمكروه بودن زياده ازقبضه است (روی ثقة الاسلام في الوافي عن معلی بن خنيس عن ابی عبدالله * ع * قال مازاد من اللحية من القبضة فهو فی النار ، وروی في الوافي عن محمد ابن ابي حمزة عمن اخبره عن ابی عبد الله * ع * قال مازاد علی القبضة ففي النار يعني من اللحية ، وعن يونس عن بعض اصحابه عن ابي عبد الله * ع * ورواه في الفقيه مرسلا عن ابي عبدالله * ع * في قدر اللحية قال تقبض بيدك علی اللحية وتجزما فضل قال في الوافي المراد بالقبض علی اللحية ان يضع يده علی ذقنه فيأخذ بطرفيه فيجزما فضل من مسترسل

اللحية طولا لاالقبض مماتحت الذقن وروي في الوافي وفي الفقيه عن محمد بن مسلم قال رأيت اباجعفر * ع * والحجام يأخذ من لحيته فقال دورها) ازجميع اين اخبار استفاده كراهت ميشود بجهت اينكه امام معنى فرمودند دريكي ازروايات اكر كسي زياده ازقبضه ريش بكذارد آن زياده درآتش است ملازمه ندارد كه خود آن شخص همدر آتش باشد واختلاف درمعنى قبضه هم شده است مرحوم فيض عليه الرحمه دروافي معنى كرده قبضه را باينكه دستش رابكذارد بردقنش (چنه) ودوطرف ريش رابكيرد پس زيادي‌ها رازنند ومعروف است شخصي شبي نشسته كتاب ميخواند ديد نوشته است كه دوچيز علامت حماقت است اول سر كوچك مدور دوم ريش دراز وبهن آنشخص قدري تأمل كرده ودستي بسر ريش خود كشيده ديد هردو علامت دراو موجود است آهي كشيد فكري كرد باخود كفت سر من علاج ندارد كه بزرك شود ولي علاج ريش راتوان نمود بدون اينكه تأمل كند چراغ رابيش كشيده يك قبضه از ريش دردست كرفته باقي را بشعله چراغ نزديك ساخت شعله بريشش كرفت دستش بسوخت دست رها كرده تمام ريشش سوخت وصورتش برشته شد وآه وناله‌اش بلند شد قلم برداشته بحاشيه كتاب نوشت كه تجربه شد كه ريش دراز وسر كوچك علامت حماقت است ودراين عالم سر كلام حضرت صادق *ع* ظاهر شد كه اكر زيادي ريش درآتش جهنم باشد بايد خودش هم بسوزد نه اينكه آن احمق را دربهشت ببرند ودرازي ريش اودر جهنم آويزان است ونه اينكه وقتي ميخواهد داخل بهشت شود زيادي ريش راجدا درجهنم ريزند زيرا كه اهل بهشت جوان وامرد درنهايت حسن وجمال وارد بهشت ميشوند ظاهر اين

است که خود ریش دراز را بجهنم اندازند که مخالفت فطرت اسلام نموده وخود را شبیه بیهود ساخته

روایات وارده

«در استحباب زدن سبیل»

درباب حرمة ریش تراشي بعضي ازروایات که نقل شد مشتمل بر گرفتن سبیل هم بود وروایات بالخصوص هم در کتب مختلفه وارد شده درجلد - ۱۶ - بحار علامه مجلسي نقل میکنـد قال الصادق * ع * اخذ الشارب من الجمعة الی الجمعة امان من الجذام وقال النبي * ص * لا یطولن احدکم شاربه فان الشیطان یتخذه مخبئا یستتر به وقال النبی * ص * من لم یأخذ شاربه فلیس منا من کتاب المحاسن عن الصادق * ع * حلق الشارب من السنه

« ترجمه » فرمود حضرت صادق * ع * گرفتن سبیل ازجمعه تاجمعه دیگر امان است ازمرض جذام وفرمود پیغمبر * ص * احدي ازشما مردم البته باید دراز نکند سبیلهایش را بدرستیکه شیطان درزیر سبیلها مسکن میکند وخود را پنهان میکند فرمود پیغمبر * ص * هرکس نگیرد سبیلهایش را ازما اهل بیت نیست در کتاب محاسن ازحضرت صادق * ع * روایت شده تراشیدن سبیل مستحب است بعداز این همـه بیانات در ربار ازپیغمبر * ص * وائمـه معصومین خیلي بی انصافي است که شخص عاقل ومتدین بدین اسلام دربیرامون یکعده مزخرفات وخرافات حضرات صوفیه گردش کنـد وخود را مبتلا واسیر یك شخص بی سواد وبي لیـاقت باسم مرشد که واقعاً مضل است نماید اي برادران دیني تاکي تاچند بقوانین اسلام پشت پاخواهید زدجرا

این دستورات راعمل نمیکنید ودائماً دنبال هوی وهوس میکردید

« خذوا زينتكم عند كل مسجد »

(درفضیلت شانه کردن ریش)

في تفسير العياشي عن ابي بصير عن ابي عبد الله * ع * قال سألته عن قوله تعالى خذوا زينتكم عند كل مسجد قال هو المشط عند كل صلوة فريضة ونافلة

« ترجمه » ازابي بصيرروايت شده گفت سؤال كردم ازاباعبدالله * ع * از معنی آیه ـ خذوا زینتکم عند کل مسجد ـ فرمود اباعبد الله * ع * زینت کردن در هر مسجدي آن شانه کردن ریش است دروقت هر نمازی واجب باشد يامستحب

عن عمار النوفلي عن ابيه قال سمعت ابا الحسن * ع * يقول المشط يذهب بالوبا قال كان لأبي عبد الله * ع * مشط في المسجد يتمشط به اذا فرغ من صلوته

« ترجمه » عمار نوفلي ازپدرش نقل کرده گفت شنیدم: ابا الحسن * ع * رامیفرمود شانه کردن مرض وبارا میبرد وفرمود از براي ابا عبدالله شانه بود درمسجد وقتي فارغ ازنماز میشدندشانه میکردند ـ وكان رسول الله * ص * يسرح تحت لحيته اربعين مره ومن فوقها سبع مرات ويقول انه يزيد في الذهن ويقطع البلغم

« ترجمه » پیغمبر * ص * شانه میکردند زیر ریش مبارکشان را چهل مرتبه وازبالای ریش مقدسشان هفت مرتبه ومیفرمودند شانه کردن ذهن را زیاد میکند وبلغم رابر طرف میکند ولذا تجربه شده که این اشخاصیکه ریش میتراشند چون موضوع نیست تاشانه بکنند ازاین فوائد محرومند وغالب ریش تراشها بلغمي وبیمار هستندودائما

هم مبتلا بدندان درد میشوند

قال الصادق * ع * فی قوله * ص * خذوا زینتکم عند کل مسجد قال تمشطوا فان المشط یجلب الرزق ویحسن الشعر وینجز الحاجة ویزید فی الصلب ویقطع البلغم

« ترجمه » فرمود حضرت صادق * ع * درذیل آیه شریفه خذوا زینتکم عند کل مسجد شانه کنید بدرستیکه شانه کردن روزی را زیاد میکند وموها را نیکو میکند وحاجات بر میآورد واولاد رازیاد میکند وبلغم راقطع میکند پس شخص ریش تراش از این فوائدی که امام صادق * ع * فرموده محروم است

قال الصادق * ع * مشط الرأس یذهب بالوبا ومشط اللحیه یشید الاضراس

« ترجمه » فرمود شانه کردن سر وبارا میبرد وشانه کردن ریش دندانها را محکم میکند ولذا گویند آن طبیب یونانی گفت اگر ریش تراشي نبود دربین مردم اصلا این دندانها باین عمرها یشان کفایت میکرد وقال ابو الحسن موسی بن جعفر * ع * اذا سرحت لحیتك ورأسك فامر المشط علی صدرك فانه یذهب بالهم والوبا

« ترجمه » فرمود موسی بن جعفر * ع * دروقتي که شانه میکني ریش خودت راوسرت راپس مرور بده شانه رابر سینه ات پس بدرستیکه هم وغم ووباء رامیبرد پس اي مدعي دیانت اقلا این کلمات دربار اهل عصمت راکه ازطرف خدا میگویند وازخودشان اصلا سخني نمیگویند تماش ازجانب حکیم مطلق جل شأنه میباشد دربوته عمل بگذارید وهیچ مصرف هم ندارد جزرها کردن هوی وهوس

« فضائل وفوائد مسواك كردن »

في كتاب امالي الصدوق عن المفضل عن الصادق * ع * قال عليكم بالسواك مطهرة وسنة حسنة الخ في مناهي النبي * ص * انه قال مازال جبرئيل يوصيني بالسواك حتى ظننت انه سيجعله فريضة

ـ ترجمه ـ در كتاب امالى شيخ صدوق عليه الرحمه ازمفضل از حضرت صادق *ع* مروي است فرمودامام صادق برشمابادبمسواك كردن بجهت اينكه پاك كننده است وسنت نيكوئيست فرمود پيغمبر * ص * هميشه اوقات جبرئيل * ع * وصيت ميكنـد مرا بمسواك كردن بجوريكه كمان كردم خدا واجب كرده مسواك را

في علل الشرايع عن ابى جعفر * ع * قال قال رسول الله * ص * لو لا ان شق على امتي لامرتهم بالسواك مع كل صلوة

« ترجمه » ازحضرت اباجعفر *ع* مروي است كه فرمود حضرت رسول * ص * اكر دشوار نبود بر امت من هرآينـه امر ميكردم ايشانرا برمسواك كردن باهر نمازي كه ميخوانند

قال ابوجعفر « ع » لكل شيء طهور وطهورالفم السواك

ـ ترجمه ـ فرمود اباجعفر « ع » ازبراي هرچيزي پاك كننده ايست وپاك كننده دهان مسواك كردن است

عن النبي « ص » قال اربع من السنن المرسلين العطر والنساء والسواك والحنا

« ترجمه » فرمود پيغمبر « ص » چهار چيز ازسنن ومستحبات پيغمبران وفرستاده شدكان ازجانب خدا است عطرزدن وزن كرفتن ومسواك كردن وحنا ماليـدن

وقال النبي « ص » السواك فيـه عشر خصال مطهرة للفم مرضات

للرب يضاعف الحسنات سبعين ضعفا وهو من السنة و يذهب بالحفر و يبيض الاسنان و يشد اللثة و يقطع البلغم و يذهب بغشاوة البصر و يشهي الطعام

ـترجمه ـفرمود پیغمبر « ص » مسواك كردن دراو ده خصلت و فائده است (اول) پاك كننده دهن است (دوم) خشنودي خدا دراو است (سوم) كارهاي خوب و نيكوي مسواك كننده ثوابش هفتاد برابر ميشود (چهارم) اينكه ازمستحبات است (پنجم) زردي‌هاي روي دندان راميبرد (ششم) دندانهارا سفيد ميكند (هفتم) لثه ها رامحكم ميكند (هشتم) بلغم رارفع ميكند (نهم) پرده ازجلوي چشم برداشته ميشود (دهم) اشتها بطعام پيدا ميكند

ازاين قبيل روايات درفضيلت وخاصيت مسواك كردن بقدري زياد است كه قلم ياراي نوشتن نيست وشارع مقدس اسلام تمام احكام راحتي احكام بيت الخلا رفتن رابراي من وشما فرموده ولكن امامات هوى خواه غافليم ازخواص آئين اسلام فعلا خارجيها استفاده بيشتر ميكنند ازفرمايشات پيغمبر مايعني ازاين اموريكه فوائد دنيوي دارد مثل مسواك كردن وعطر زدن

« فضيلت وفوائد عطر زدن »

در كتاب طب الأئمه روايت شده « لماعرج بالنبي فتقطر عرقه الى الأرض فانبت من العرق الورد الأحمر فقال رسول الله « ص » من اراد ان يشم رائحتي فليشم الورد الأحمر

ـ ترجمه ـ موقعي كه پيغمبر « ص » بمعراج ميرفتند عرق كردند پس قطره هاي عرق مباركشان بزمين ريخت پس از آن عرق گل قرمز (گل محمدي) روئيد پس فرمودند كه هر كس كه ميخواهد

بوی مرا استشمام کند کل قرمز را ببوید

قال رسول الله « ص » الريح الطيبة تشد القلب وتزيد في الجماع

ـ ترجمه ـ فرمود پیغمبر « ص » بوهـای پاکیزه ازقبیل عطریات قلب رامحکم میکند وجماع رازیاد میکند

في الخصال عن ابي عبد الله « ع » قال ثلاث يسمن وثلاث يهزلن فاما التي يسمن فادمان الحمام وشم الرائحة الطيبة ولبس الثياب اللينة فاما التي يهزلن فادمان اكل البيض والسمك والطلع

ـ ترجمه ـ اباعبد الله « ع » فرمود سه‌چیز انسان راچاق وفربه میکنـد (اول) زیاد حمام رفتن (دوم) بوئیـدن عطریات (سوم) لباسهای نرم پوشیدن وسه چیز انسان رالاغر میکنـد (اول) زیاد تخم مرغ خوردن (دوم) ماهي خوردن (سوم) طلع درخت خرما خوردن که قبل از رسیدن باشد در حالت بسربودن ومخفي نماناد که شارع مقدس‌زنان را منع ازاستعمال‌عطریات کرده در موقع بیرون رفتن ازمنزل‌ولکن درمنزل ازبرای شوهرهای خودهرگونه آرایش کنند مجازند ازطرف شارع وسرش پرواضح است در کتـاب میل جنسي‌درزن ومرد « بیولوجي عشق وازدواج » ترجمه عبد الله توکل درصفحه ـ٧٥ـ نوشته عطر یکي ازبهترین‌داروهای آرایش وخود فروشي است بوي طبیعي بدن زن حس شهوت را تحریك میکند . بوی سنبل کوهی گربه‌ها را بسوی خود میکشاند پس بنابراین زن مسلمان نباید درموقع بیرون رفتن ازخانه عطر بزند

« فلسفه امر بمعروف ونهي ازمنکر »

ای اشخاصیکه متدین بدین اسلام هستید وشبانه روز درپنج‌وقت نماز میخوانید وسال یکمرتبه روزه میگیرید بدانید که‌امر بمعروف

ونهي ازمنكر هم يكي ازواجبات است كه برهر فرد مسلمي واجب است انجـام وظيفة كنند فقط مختص برعماء وعلماى دين نيست بلكه برجميع مسلمين است كه اقدام كنند باين امري كه خود امام فلسفه اورا بيان نموده (بعبـارت واضحتر كه خيال نكنى اسم فلسفه از اوربا آمده) آن فوائدى كه مترتب برامر بمعروف ونهى از منكر است خود شارع بيان نموده

في التهذيب والوسائل عن ابي جعفر * ع * قال يكون في آخر الزمان قوم يتبع فيهم قوم مراؤن الى ان قال ولو اضرت الصلوة بساير ما يعملون باموالهم وابدانهم لرفضوها كما رفضوا اسمي الفرائض واشرفها ان الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فريضة عظيمة بها تقام الفرائض هنالك يتم غضب الله عزوجل عليهم فيعمهم بعقابه فيهلك الأبرار في دار الأشرار والصغـار في دار الكبار ان الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر سبيل الأنبياء ومنهاج الصلحاء فريضة عظيمة بها تقام الفرائض وتأمن المـذاهب وتحل المكاسب وترد المظالم وتعمر الأرض وينتصف من الأعداء ويستقيم الأمر الخ الحديث

ـ ترجمه ـ درتهذيب ودروسائل ازحضرت اباجعفر * ع * روايت شده فرمود درآخر الزمان كروهي ميباشند كه بيروي كرده ميشوند درايشان كروهي كه رياكننده اند تا اينكه فرمود اكر نماز ضرر بزند بكارهايشان وباموالشان وبدنهايشان هرآينه ترك ميكنند نماز رامثل اينكه ترك كردند بالاترين واجباترا وشريفترين واجباترا بدرستيكه امر بمعروف ونهي ازمنكر واجب بزركى است كه بواسطه او اقامه واجبات ميشود دراين موقع كه ترك ميكنند بسر ميرسد غضب خداوند تبارك وتعالى بس عذابش شامل همه ميشود بس هلاك

میشوند خوبان درخانه بدان وکوچکان « بچه‌های بی گناه » درخانه بزرکان بدرستیکه امر بمعروف ونهي ازمنکر راه پیغمبران است وطریقه صلحاء وخوبان است واجبي است بزرك بواسطه اواقامه واجبات میشود ومأمون میشود وطرق وراه‌ها وحلال میشود کسبها ورد کرده میشود ظلمها ومعمورمیشود زمین وانصاف کرفته میشود ازدشمنان ومستقیم میشود کارها

عن علي بن ابراهیم عن هرون بن مسلم عن مسعده بن صدقه عن ابی عبد الله *ع* قال قال النبي *ص* کیف بکم اذا فسدت نساؤکم وفسق شبابکم ولم تأمروا بالمعروف ولم تنهوا عن المنکر فقیل له ویکون ذلك یارسول الله فقال نعم وشر من ذلك کیف بکم اذا امرتم بالمنکر ونهیتم عن المعروف فقیل له یارسول الله ویکون ذلك قال نعم وشر ذلك کیف بکم اذا رأیتم المعروف منکراوالمنکر معروفا

ـ ترجمه ـ علي بن ابراهیم قمي بسند خود از حضرت صادق *ع* روایت میکنند که امام صادق فرمود پیغمبر *ص* فرمود چه میشود شمارا دروقتیکه زنهای شمافاسد شوند وجوانهای شمافاسق وشما آنها را امر بمعروف ونهي ازمنکر نمیکنید پس کفته شد یارسول الله میشود اینطور شود پس فرمود بلي بدتر ازاین شمارا چه شود ووقتی که امر میکنید مردم رابکارهای بدونهي میکنید ازکارهای خوب پس کفته شد یارسول الله میشود اینطور شود فرمود بلي بدتر از این شمارا چه شود دروقتیکه کارهای خوب وزیبارا بدوزشت میبینید وکارهای زشت وبدرا خوب وزیبا روایات درباب امر بمعروف ونهی ازمنکر زیاده ازحد است

ولکن عمل کرده نمیشود اسلام درموقعي قوت میکیرد که این

مفاسد ازمابین مردم رفع شود تا این گونه بی ناموسی‌ها ولا ابالی گریها درمابین مردم رفع نشود اصلاح نخواهد شد چرا موضوع حجاب راتعقیب نمیکنید مگر هرروز قرآن نمیخوانید چرا میخوانید صرف خواندن که نیست نزول قرآن برای عمل کردن باحکام الهي است همانطوریکه نماز میخوانید باید امر بمعروف ونهي ازمنکر هم بکنید واکن باشرائطش تمام این مفاسدي را که امروز مي بینید از این کشف حجاب پیداشده بجهت اینکه آن زنی که خودرا آرایش میکند ودر خیابانها گردش میرود دل هزارها جوان راپي ربايد وجوانهم درازاء آن خودرا درست کرده ریش میتراشد سرافسار « کروات » مي اندازد باتمام بی‌شرمي وبی شرفي عشقبازی مي نماید ای متمدن بی تمدن چراهم خوابه خود را بخیابانها واسنحرها وسینماها وتآترها میفرستی ودختر خودرا بدبیرستان که جز درس عشقبازی یاد نمي گیرد رها میکني خودت فکر کن وجدانت قبول این معنی رامیکند یانه چرا باید درمملکت اسلامي این مقدار مسکرات بفروش رود این شرابهائیکه غیرازضرر دنیوی واخروی فائده دیکر نداردوخداوند تبارك وتعالی درکتاب مجیدش حرمت شرب آنرا بیان نموده بااینحال اکر بمرکز ایران که طهران است روی وهمینطور بعضي ازشهرهای دیکر مغازه‌هاي مشروب فروشي بیشتر است ازمغازه های کتاب فروشي

ای اهل مشهد ومجاورین قبر علي بن موسی الرضا چرا باید کار خانه مشروب سازی درآن سرزمین بوده باشد وهیچ کفته نشود چرا از مجاورین قبرخواهرش حضرت معصومه تعلیم نکرفتید باتمام مردانکي مفتوت دکاکین عرق فروشي رامضمحل کردند واقعاً هم نتیجه

بردانند بکوشید دراظهار حقایق وهدایت گمراهان

« قولوا الحق ولو کان علی انفسکم »

(نکته قابل توجه)

یکي ازمحرماتي که درمملکت مسلمین وشیعیان امیرالمؤمنین (ع) قبحش برطرف شده مسئله رادیو است که اصلا اهمیت باین محرم بزرگ داده نمیشود باتمام بي شرمي ازتمام طبقات مرتکب این عمل شنیع هستند ومیگویند اخبارش که عیبي ندارد ولکن غافلند ازاینکه اصلا وضع رادیو از برای غافل کردن جامعه اسلام است ازذکر خدا واحکامش وعلاوه گوش دارید چشم دارید مي شنوید که روز وشب جزساز ونوازی که باعث فساد اخلاق زن وفرزند وغفلت آنان ازذکر خدفائده دیگر ندارد واصلا هتك بکتاب آسماني میشود ؟

بجهت اینکه چند سوره ٔ ازقرآن مجیدهم اگر خوانده شود بعدش رقص دختر مصری وویالون زدن وساز نواز است وحال آنکه اگر قبل ازآن آیات قرآني قرائت شده نهي از تمام این اعمال شنیع میکند وخلاصه بکوشید دررفع این مفاسد تاکي عبرت نمیگیرید هرگز مرگي ازبرای خود تصور نمي نمائید وگرنه ساعتی فرار نخواهید کرد بدانید آنچیزهائي که وسیله ازبراي نشر اعمال شنیعه است بجامعه « ازقبیل ویالون زدن وساز ونواز وخواندن زن مصری » حرام است باتفاق جمیع علماء وهرکس مخالفت نماید ازدو حال خارج نیست یا اینکه مدارك احکام رانمي فهمد ویا اینکه هوی پرست وهوی خواه است

آزادی فحشاء

در کشور ایران

چرا باید در کشور ایران که مذهب رسمي مردم تشیع ودین رسمي مردم اسلام است درهر شهری فواحش بوده باشد بطوریکه اصلا آزاد باشد ودولت هم در کارهای آنها نظارت داشته باشد ولهذا میکوشد که ازشیوع سوزاك وسفلیس جلوگیری کند اما بدبختانه این کار سودي ندارد وفواحش جوانان راروز بروز بیچاره تر میکنند دربعضي از کشورهای دنیا که بوی اسلام هم بدماغشان نخورده دولت صاف وصریح فحشاء را ممنوع داشته ولي متأسفانه کشور ایران که مرکز تشیع وعلوم آل محمد است باید درهر شهری محل مخصوص بنام « شهرنو » مهیا وآماده باشد ازبرای برباد دادن عفت ومنقطع کردن نسل عدهٔ ازجوانان

بدانید ای مدعیان دین اسلام تاروزي که « شهرنو » درکشور شماها وجود دارد « هیچ انجمن مبارزه بافسادی » نخواهد توانست کاری از بیش ببرد بدبختانه باید اعتراف کرد که ایران کنونی مرکز ثقل بیماریهای آمیزشي درخاور میانه شده است سرنوشت « اهواز » و« آبادان » ازبندر « مارسیل » « فرانسه » بدتر است وسرنوشت تهران را همهما میدانیم ومؤلف کتاب « بامن بشهرنو بیائید » خوب مطالب را آفتابی نموده ویك ننك بزرکی است ازبرای جامعه اسلام ویقین بدانید که این کتاب بزبانهای دیکر ترجمه میشود وفضاحت آن عالم کیر میشود لهذا بکوشید دررفع کردن این عفریتهای شهرنوی ومیکربهای سوزاك وسفلیس ودولت ایران اکرعلاقه داشته

باشد که جو انان را از بدبختی نجات دهد و نگذارد که در سال ششصد هزار نفر برای معالجه سوزاك وسفلیس شان به بیمارستان نجات بروند باید چارهٔ بیندیشد وشهرنو را ازمیان بردارد بعقیده حقیر این است که باید حتی القوه این کاررا انجام داد برای خاطر بقای نسل ایرانی وباقطع نظر ازجنبه دیانت آیا وجدان شخص عاقل راضی میشود براینکه ناموس دیگران رادر یکشب اشخاص متعدده بااو عشق ورزند والادر کتاب آسمانی که نازل بر پیغمبر اسلام شده نهی از نظر کردن بنامحرم نموده حتی پوشانیدن زن چشمش را از مرد نامحرم تا چه رسد باین بی ناموسیها خلاصه بکوشید درقطع کردن بنیاد این بی عفتی هائیکه باعث عذاب وعقاب اخروی است

محل مثله کردن

یا (سالون آرایشگاه)

درسالون آرایشگاه سلمانیها ریش میتراشند ولکن پیغمبر « ص » فرموده مثله میکنند وهر کس مثله کند لعنت وغضب الهی براوست آن شخصی که بسالون آرایش میآید وحاضر میشود برای تراشیدن ریش خود مبتلا بعذاب اخروی وامراض دنیوی میشود ولـــکن سلمانی وآرایش دهنده علاوه برعذاب اخروی اجرتی را که درمقابل عمل تراشیدن ریش غیر میگیرد حرام است ومالك آن نمیشود ولباسهائی که با آن وجـه میخرد غصبی است وتمـام اعمالش از قبیل نمـــاز وحجش باطل است بجهت اینکه اجرت برعمل محرم حرام است باجماع تمام فقهـاء مسلمین مثل اجرت گرفتن برصنایع آلات قمار وساختن مشروبات والسلام علی من اتبع الهدی

فهرست

صفحه عنوان

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳	۱۰	سعادتمندی	سعادتمندي
۳	۱۲	اکثر	کثر
٦	۲	ممکنان	ممکنات
۱٦	۱۸	حقظ	حفظ
۱۹	۲۲	یشود	بشود
۲۱	٦	دشمبان	دشمنان
۲۲	۳	اپن	این
۲۳	٤	یرست	پرست
۲۳	٥	یقیباً	یقیناً
۲٤	۸	اشتشهاد	استشهاد
۲٥	۱٥	استفداء	استفتاء
۳٥	٤	و طرق	طرق
۳۷	۳	ردیو	رادیو
۳۷	۷	خد	خدا
۳۷	۱۱	آاین‌یات	این آیات

کتاب دیگر مؤلف که بعداً
بطبع خواهد رسید

سنن النبویه

في الآداب والأذكار

فردی — نوعی — اجتماعی

عنوان مراسلات

نجف أشرف — مدرسه سید